

برگی از صفحات تلخ تاریخ کشور ما

به مناسبت روز سیاه و ننگین هفتم ثور سال ۱۳۵۷

دیربست در خیال پریشان چنین گذشت
از تلخی زمان که به ما سهمگین گذشت

بنوشت روزگار زهر کار زشت و خوب
بر ملک ما ویا که به هر سرزمین گذشت

ظلم و ستم زدست هلاکو و تیمورش
بر خلق ما و این وطن نازنین گذشت

از دست انگلیس و تزار قدیم روس
وز آن تجاوزات شوم دیگر غاصبین گذشت

از کودتای ثور و مرحله شش جدی آن
کشتار مردمان به حد آخرین گذشت

دیدیم ز خون خواری اردوی بلشویک
سیلاب خون به کشور افغان زمین گذشت

هر قلب داغ دار مردم ما میکند بیان
تیری که از کمان خم ملحدین گذشت

احوال کشتگان وطن کی رود ز یاد
بر گورهای دسته جمعی در زمین گذشت

تنها ز بسملان وطن میتوان شنید

از آنچه بهر شان به دمِ واپسین گذشت

بعد از شکست روس و زوال نظام جور
غمهای دیگری بدل این غمین گذشت

تاریخ گواه روشن این مدعا بود
آن ننگ و نفرتی که برِ ظالمین گذشت

بنگر همیشه چهره زشتِ ستمگران
بر دفتر زمانه سیاه اینچنین گذشت

هرگز به آب جُو نتوان شستشو نمود
بر خائنین که لکه ننگ بر جبین گذشت

ثبت است بر صحیفه اوراق روزگار
هرکس به کار خوب و بدِ خود رهین گذشت

دیدم به روزگار مردم هر دم شهید خود
ایام خوش نبوده و یا کمترین گذشت

کی از دماغ و خاطر من دور می رود
آن لحظه های گرم که باهمنشین گذشت

هر گزسخن بغیر حقیقت مگو « عزیز »
زیرا به اهل دل سخت ، دلنشین گذشت
پایان

محمد عزیز (عزیزی)